

الان وقت شهادت نیست!

درباره توصیه مادر شهیدان کارکوب‌زاده، به یک مداح

«الان فرق می‌کند، الان باید بگی خدایا شهید نشیم» این توصیه جالب مادری بود که ۲فرزندش شهید و یک فرزندش مفقودالاثر بوده‌اند. در فیلمی که در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌چرخد، نشان می‌دهد که در یکی از همین عزاداری‌های جدید که محفل محرم را به خارج از خانه و در کوچه آورده است، مداح کنار مادر شهید می‌نشیند و صحبت‌های جالبی را می‌شنود. مادر شهیدان خلیل و عبدالجلیل و مفقودالاثر منصور کارکوب‌زاده در این ویدئو می‌گوید: «باید باشین که آقا رو حمایت کنین». مهدی سلحشور، مداح اهل‌بیت(ع)، هم در پاسخ آرزو می‌کند مانند پسران او شهید شود، اما مادر شهیدان کارکوب‌زاده ادامه می‌دهد: «اون موقعیت دیگه‌ای بود، ولی الان فرق می‌کنه! الان باید بگی خدایا شهید نشیم». او که با لهجه و با طمأنینه صحبت می‌کند، می‌گوید: «الان باید بگیم خدایا کاری کنیم که ثواب شهید گیرمون بیاد. الان شما باید فکر کنین که آقا تنهان. برای چی شهید بشین؟» حالا این طرز تفکر و این حرف‌ها در فضای مجازی در قالب یک ویدئوی ۵۰ثانیه‌ای دست‌به‌دست می‌شود و درس می‌دهد. یکی از کاربران فضای مجازی نوشته بود: «صحبت‌های این مادر بزرگوار آخر همه سوادهای سیاسی‌اجتماعی بود». کاربر دیگری کامنت گذاشت: «از دامن چنین مادری بوده است که این فرزندان بزرگ تربیت شدند». علاقه و ارادت این مادر شهید به رهبر معظم انقلاب پیش از این هم باعث شده بود تا رهبر معظم انقلاب سفرشان را در قم طولانی‌تر کنند.

این مادر شهید در سفر سال ۸۹ رهبری به قم، در نامه‌ای خواستار دیدار با رهبر معظم انقلاب شده بود و حضرت آیتا... خامنه‌ای پس از دیدن این نامه، سفر خود را یک شب دیگر تمدید کردند. به گزارش باشگاه خبرنگاران‌جوان ایشان در دیدار با این خانواده شهید فرمودند: «این رو به شما بگم. من امشب بنا نبود قم بمونم. فقط برای شما موندم. البته خونه ۲شهید دیگه هم رفتیم. اما من برای شما موندم. برای اینکه بتونم شما رو ببینم». خانواده معظم شهیدان کارکوب‌زاده، ۲شهید به‌نام‌های عبدالجلیل و خلیل و یک مفقودالاثر به‌نام منصور و نیز یک جانباز و یک آزاده در دوران سکونت در شهر آبادان، تقدیم اسلام و انقلاب کرده است.

وقتی میثاقی زیر میز می‌زند!

مجری فوتبال برتر روی آنتن زنده آمار مخاطبان برنامه‌های تلویزیونی را بدون اعتبار دانست

محمدناصر حق‌خواه
Mn.haghkhah@shahraranews.ir

روایت روز

درباره محمدحسین میثاقی و فوتبال برتر و عادل فردوسی‌پور و نود آن‌قدر گفته‌اند و نوشته‌اند و آن‌قدر شنیده‌ایم و خوانده‌ایم که تقریبا همه ما به نتیجه‌گیری خاصی از ماجرا رسیده‌ایم. نتیجه‌ای که شاید شکل و غلظتش با نتیجه آدم‌های دیگر فرق کند، اما احتمالا ۲سال بعد از دوره اوج حواشی رفتن عادل و تکیه‌زدن میثاقی روی صندلی استادش، همه تصمیم و تکلیفشان را با فوتبال برتر و تماشای دوشنبه‌شبی میثاقی مشخص کرده‌باشند یا تحریم و بی‌توجهی یا تماشای فوتبال برتر، بی‌توجه به اینکه آیا مجری این برنامه صلاحیت و قابلیت تکیه‌زدن به این صندلی را دارد یا نه. پس این یادداشت نه درباره تاریخچه این دعوا و نه درباره دادن حق به هیچ‌کدام از ۲طرف است. این یادداشت درباره اظهارنظری است که دوشنبه گذشته محمدحسین میثاقی در برنامه فوتبال برتر کرد. او که درباره اتفاقات و آمارهای عجیب‌وغریب لیگ دسته ۲ صحبت می‌کرد و به‌شکل ضمنی از مشکوک‌بودن و احتمال تبانی در این بازی‌ها حرف می‌زد، با تکیه بر عادت همیشگی‌اش یعنی ساختن شوخی لحظه‌ای با ربط‌دادن ۲چیز به‌ظاهر بی‌ربط، گفت که این آمارها از آمار تلویزیون در تعداد مخاطبان برنامه‌های تلویزیونی هم عجیب‌تر است! اشاره میثاقی به آماری است که ماهانه درباره تعداد مخاطب برنامه‌های تلویزیونی بیرون می‌آید. در این فهرست همیشه فوتبال برتر جزو کم‌بیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیون و شبکه ۳ بوده که تعداد مخاطبانش از برنامه کودک عمو پورنگ، محله گل‌وبلبل و برنامه حیات‌وحش شبکه مستند و برنامه طبیب شبکه ۳ هم کمتر است. بحث در صحت این آمار و کم‌بیننده و پربیننده‌بودن این برنامه نیست. بحث اصل اظهارنظر محمدحسین میثاقی است که برای اولین‌بار یک مجری آمار رسمی سازمان صداوسیما را روی آنتن زنده تلویزیون زیر سؤال می‌برد! برای کم‌مخاطب‌بودن برنامه میثاقی دلایلی غیر از آمار رسمی تلویزیون هم وجود دارد، مثلا حذف کامل بخش نظرسنجی پیامکی تا احتمالا اختلاف پیامک‌های نود با فوتبال برتر مشخص نشود یا بینندگان به نشانه اعتراض هر شب به یک گزینه خاص رأی ندهند یا تعداد مخاطبان شبکه‌های اجتماعی برنامه یا محتوای نظرها زیر پست‌های برنامه و صفحه خود میثاقی (البته در صورتی که نظرهایش باز باشد).

اما بحث حتی کم‌بیننده‌بودن این برنامه هم نیست. محمدحسین میثاقی به‌عنوان کسی که همیشه از تصمیم بزرگ سازمان برای تعطیلی یک برنامه پرطرفدار دفاع کرده و خود را تابع سازمانی که در آن کار می‌کند دانسته است، حالا که آمارها علیه خود اوست، زیر میز بازی می‌زند و این آمارها را روی آنتن زنده زیر سؤال می‌برد. البته این اولین‌بار نیست که میثاقی در چند ماه گذشته چنین واکنشی نشان می‌دهد، او پس از یک سال سکوت و کنایه‌شنیدن از آدم‌های مختلف روی آنتن و در شبکه‌های اجتماعی، چند ماهی است که انگار دیگر طاقتش تمام شده و بی‌محابا از خودش و برنامه دفاع می‌کند و به منتقدانش با کنایه‌های نیش‌دار حمله می‌کند. او حتی در گفت‌وگوی چالشی‌اش با مهدی تاج، رئیس سابق فدراسیون فوتبال، به‌تلویح عادل را سدی رسانه‌ای در حمایت از فساد فدراسیون و ناکارآمدی تاج قلمداد کرد. شاید شما جزو دسته‌ای باشید که اعتقاد دارید در صورت گرفتن تصمیمی دیگر، میثاقی هنوز برای مخاطب همان جوان دوست‌داشتنی و باهوش عاشق فوتبال بود یا شاید تصمیمش در پشت‌کردن به عادل را در زندگی حرفه‌ای او کار درستی بدانید، اما جدا از این قضاوت‌ها، حالا که او تا جایی با سازمان صداوسیما جلو آمده است که دیگر نمی‌تواند بعضی جاها زیر میز بازی بزند، یکی به نعل و یکی به میخ کوبیدن کاری درست نیست!



طرح: علیرضا پاکدل | شهرآرا

Tweets

وحید بهمن | تاریخ‌پژوه
@ir_bahman

سنگ مزاری تاریخی، مزین به ابیاتی از سعدی شیرازی در شهر بی‌شهر قونیه ترکیه. تاریخ و قدمت: ۱۳۶۳م، ۶۵۷ سال پیش.
نکته بسیار مهم این سنگ مزار این است که به‌فاصله ۷۰سال بعد از مرگ سعدی (۱۲۹۲م)، اشعار وی چنان شناخته شده بوده که از طرف مردم آناتولی بر روی سنگ مزار عزیزانشان به‌کار رفته است.



ابراهیم حیدری | عکاس
@ebrahimheidari

کودکی در زمانه کرونا
عکس از لارن دسیکا
از مهد کودکی در بانکوک



امیر جدیدی | بازیگر
@amir_jadidi

شرکت نیسان اسم یک مدل از خودروش رو گذاشته آریا، بعد سایپا اسم یک محصولش رو می‌ذاره کوییک(quick)،
Saipa why have you done this?!
#غربزدگی

شاهین طبری | فعال توئیتری

-بابا، درخت بهتره یا آسمون؟
-پسرم هردوشون خیلی خوبن! مثلا مثل مامان و بابا.
-مامان بهتره!

از توئیتر به بازداشتگاه!

ماجرای دستگیری «کاف.الف» که فضای مجازی باعث شد پلیس او را بازداشت کند

زهرا اسکندریان
z.eskandarian@shahraranews.ir

حدود یک هفته است که فضای توئیتر تبدیل شده است به دادگاهی با قربانیان و متهمانی که در این فضا یکی پس از دیگری پیدا می‌شوند. قربانیان از اتفاق رخ داده می‌نویسند و بعد می‌فهمند که متهم نه تنها به آنان، بلکه به شمار زیاد دیگری هم آسیب رسانده است. اتهام چیست؟ تجاوز. اما این دادگاه چیزی کم دارد، آن هم دفاعیه متهمان و سوگند و شواهدی که صحبت‌های شاکیان را تصدیق کند. هرچه هست همین یک هفته داغ‌شدن هشتگ‌ها درباره موضوع تجاوز و اسامی متهمان باعث شد تا دیروز یکی از آنان در فضای واقعی دستگیر شود. سردار رحیمی، رئیس پلیس پایتخت، به فارس خبر داد که فردی با نام «کاف.الف» دستگیر شده است و علت آن هم شکایات زیادی بوده که علیه او به‌ثبت رسیده است. او با بیان اینکه «مأموران پلیس امنیت عمومی تهران با رصد فضای مجازی با شکایت‌های متعددی روبه‌رو شدند که نشان می‌داد فردی به‌نام «کاف.الف» با فریب دختران دانشجو و کشاندن آن‌ها به خانه خود اقدام به آزار و اذیت آنان کرده است».

رئیس پلیس پایتخت درباره علت این دستگیری گفت: «باتوجه‌به حجم شکایت‌ها و جریحه‌دارشدن احساسات عمومی جامعه، تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه آغاز و در نهایت متهم دستگیر شد و اکنون در بازداشت پلیس به سر می‌برد.»

در موضوع تجاوز، به‌علت تبعات اجتماعی و ترس و نگرانی افراد از بی‌آبرویی، معمولا این جرم پنهان می‌ماند، با این حال با موجی که در فضای مجازی شکل گرفته بود، این دیوار شکست و کاربران زیادی از تجربه‌های مختلف خود گفتند. سرهنگ رحیمی هم به همین موضوع اشاره کرده است: «تمام شاکیان با اطمینان از محفوظ‌ماندن هویتشان نزد پلیس، می‌توانند برای طرح شکایت به پلیس امنیت عمومی مراجعه کنند».

حتی خواندن داستان‌های قربانیان هم مو بر تن سیخ می‌کند، دخترانی جوان که ناگهان در تور یک متجاوز حرفه‌ای افتاده‌اند و زندگی و آینده‌شان آن‌طور که گفته‌اند، پس از خوردن یک نوشیدنی مسموم برای همیشه تباه شده است. «کاش من تنها بودم. اگر فقط این اتفاق برای من افتاده بود، حرفی نمی‌زدم و به تراپی ادامه می‌دادم، اما الان می‌بینم به تن خیلی‌ها دست‌درازی کردی، با سناریوهای مشابه. تو واقعا برای جامعه خطرناکی. امیدوارم حیات اجتماعی‌ات مختل بشود، همان‌طور که زندگی این‌همه آدم را به نابودی کشاندی.» این یک روایت از ده‌ها و صدها روایت تجاوز «کاف.الف» است که به‌نظر می‌رسد بر اساس آنچه در فضای مجازی منتشر شده، با داستانی مشابه، ده‌ها دختر را به خانه خود کشانده است. کاربری دیگر نوشته است: «یکی از دانشجویان قدیمی دانشگاه تهران با پرسه‌زنی در فضای داخلی دانشگاه می‌چرخد و با چرب‌زبانی دانشجویان دختر جوان را به خانه خود دعوت می‌کند. مقاومت بی‌فایده است و پسر ریزاندام با نقشه‌های شوم سرانجام به خواسته خود می‌رسد. ادامه ماجرا قابل حدس است و البته تلخ و ناراحت کننده.» این چکیده بیشتر روایت‌هایی است که قربانیان «کاف.الف» در توئیتر نوشته‌اند. هرچند برخی هم در سفر تفریحی یا علمی به برخی شهرها و جزیره‌ها در دام «کاف.الف» افتاده و قربانی تجاوز شده‌اند. برخی هم خوشبختانه توانسته‌اند از دام او بگریزند که این را شاید مدیون اندام کوچک متجاوز سریالی و آمادگی بدنی خود بوده باشند. هشتگ نام او تا دیروز بیشتر از ۱۰هزار بار در توئیتر تکرار شده است. پیش از دستگیری او، مسئولان دانشگاه تهران درحال پیگیری ماجرا بودند و قول دادند از قربانیان حمایت کنند. زیرا بیشتر قربانیان، از دانشجویان این دانشگاه بودند. مدیر یکی از گروه‌های پردیس هنرهای زیبا شماره تماس خود را در دسترس شاکیان این پرونده قرار داد و از آن‌ها خواست حتی بدون ذکر نام تماس بگیرند و داستان خود را بازگو کنند تا دانشگاه بتواند در محاکم قضایی پیگیر پرونده باشد. صفحه این فرد در اینستاگرام قفل است و نمی‌توان محتوای آن را دید، اما در کمتر از ۲۴ساعت پس از آغاز افشاگری‌ها، صدها نفر از دنبال‌کنندگان و دنبال‌شوندگان او را از فهرست خود حذف کرده‌اند. اما «کاف.الف» تنها فردی نیست که در این روزها نامش در توئیتر تکرار می‌شود. افراد دیگری مانند او که چهره معروفی نیستند، چهره‌های معروف هنری، بازیگر، نویسنده و موسیقی‌دان‌های دیگری که نام آنان آشناست نیز در این فهرست قرار دارند، اما باید منتظر ماند و دید که آیا از این افراد هم به‌طور جدی شکایت می‌شود یا برخی افراد در توئیتر چون فضا را مناسب دیده‌اند، بدون سند و مدرک و با داستان‌سازی خواسته‌اند فقط موضوع را داغ‌تر کنند؟



گزارش داغ

ماجرای ادامه‌دار تلویزیون و شبکه نمایش خانگی

این رشته سر دراز دارد. در هفته‌های گذشته دوباره بحث بر سر واگذاری صدور مجوز ساخت سریال در شبکه نمایش خانگی بالا گرفته و فضای رسانه‌ای پر از بیانیه‌ها و نامه‌پراکنی‌های اصناف‌سینمایی است، اما جدال تازه‌ای که به راه افتاده با دیگر مناقشه‌ها متفاوت است، فرق عمده‌اش در این است که این‌بار جامعه سینمایی به‌طور جدی وارد میدان شده‌اند و نمی‌خواهند مسئولیت سامان‌دهی شبکه نمایش خانگی به صداوسیما سپرده شود. روشن است که مقوله اعطای مجوز به یک اثر فرهنگی از اساس زیر سؤال است، همچنان که در این سال‌ها خیلی از اهالی فرهنگ و هنر و ادبیات به این روند اعتراض کرده‌اند و گفته‌اند چرا باید برای تولید محصول فرهنگی دنبال مجوز برویم. این بحث به کنار، چیزی که فعلا دامنه مباحث را گسترش داده، تنگ‌ترشدن حلقه تولید است، چون با دعوی جدید رسانه ملی، گرفتن مجوز برای یک اثر در شبکه نمایش خانگی نیز باید زیرنظر این سازمان باشد و این یعنی گرفتارشدن آثار نمایشی در کوچه‌های تنگ رسانه ملی. کشمکش‌های یک هفته گذشته از آنجا آغاز شد که بعد از سکوت طولانی سازمان سینمایی و وزارت ارشاد بر سر واگذاری صدور مجوز ساخت سریال در شبکه نمایش خانگی، همین چند وقت گذشته حسین انتظامی، رئیس سازمان سینمایی کشور، در نشست مطبوعاتی آنلاینی که با اصحاب رسانه در ۱۹مرداد داشت، سرانجام موضع رسمی خود را به‌صراحت اعلام کرد و گفت: «ما در فناوری‌های نوپدید از جمله VOD نیازمند تعریف جدیدی در حکمرانی فرهنگی در فضای مجازی هستیم تا برداشت‌های متفاوت دستگاه‌ها اصلاح شود. مراجع قانون‌گذاری در این زمینه تصمیم‌گیرنده‌اند و جمع‌بندی آن‌ها مبنای عمل همه دستگاه‌ها خواهد بود. ما منتظر تعیین تکلیف در مراجع بالادستی هستیم تا تکلیف دستگاه‌ها از جمله وزارت ارشاد را روشن کند.» بعد از صحبت انتظامی، در ۲۶مرداد روابط عمومی سازمان سینمایی اعلام کرد که شورای پروانه ساخت آثار غیرسینمایی، با ساخت مجموعه ترکیبی «هم‌رفیق» به‌تهیه‌کنندگی و نویسندگی حسن‌خدادادی‌پور و کارگردانی شهاب حسینی موافقت کرده است. در واقع با انتشار این خبر به‌تلویح اعلام شد که همچنان مسئولیت شبکه نمایش خانگی برعهده سازمان سینمایی است. ۲ساعت از انتشار این خبر نگذشته بود که روابط عمومی ساترا (سازمان‌تنظیم مقررات صوت و تصویرفراگیر) به انتشار این خبر واکنش نشان داد و اعلام کرد: «همان‌گونه که پیش از این بیان شده است، مسئولیت صدور مجوز برنامه‌های ترکیبی و تولیدات تلویزیونی برای انتشار در رسانه‌های صوت و تصویر، فقط در صلاحیت این سازمان است، بنابراین بدیهی است پخش هر کدام از این برنامه‌ها در رسانه‌های صوت و تصویر در فضای مجازی منوط به اخذ مجوز اشاره‌شده است و نبود این مجوز مانع از انتشار در پلتفرم‌های صوت و تصویر کشور خواهد شد.» برای خواندن ادامه این گزارش از روزنامه اعتماد، کد را اسکن کنید.

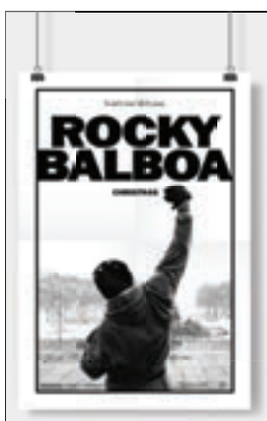
عمو! نذر اسباب‌بازی نداری؟

با جوانان هیئتی در کوره‌های آجرپزی جنوب تهران

با دست به کوره‌های آجرپزی اشاره می‌کند و می‌گوید چیزی نمانده است، چند دقیقه دیگر می‌رسیم. روی تابلو کنار جاده نوشته است «به فرون‌آباد خوش آمدید». کوره‌های بلند در فاصله چندصدمتری از هم مثل ستون‌های سمی بالا آمده‌اند و گاهی دود سیاهی از سوراخشان بیرون می‌زند. هر نسیم ملایمی که می‌وزد، خاک نخاله‌های رهاشده کنار جاده را بلند می‌کند و دور خودرو می‌چرخاند. شیشه را که پایین بکشی، در گردوغبار گم می‌شوی. آفتاب اینجا انگار داغ‌تر است. فرشاد می‌گوید: «محرم امسال با همه سال‌های قبل که نذری می‌آوردیم، فرق دارد. احساس می‌کنم امسال مأموریت دیگری به من محول شده است و باید آن را به بهترین شکل انجام بدهم. به‌نظرم واقعا این نذری‌ها را باید همین‌جا پخش کرد. هر سال ۵۰۰پرس غذا به کوره‌پزخانه‌ها می‌بردم، اما امسال تصمیم گرفتم موادغذایی ببرم که هم چند وعده بپزند و استفاده کنند، هم مشکل بهداشتی نداشته باشد. سال‌های قبل گاهی آن‌قدر غذا برای ساکنان کوره‌پزخانه‌های جنوب تهران می‌آوردند که خود اهالی می‌گفتند غذا نمی‌خواهیم، امکانات نیست، می‌ماند و فاسد می‌شود».

می‌رویم به انتهای خیابان فتح‌المبین، جایی که ۲۴خانوار کنار کوره بلندی زندگی می‌کنند. با شنیدن صدای خودرو، بچه‌های قدونیم‌قد از در آهنی بیرون می‌آیند و دور خودرو حلقه می‌زنند. همه پیراهن مشکی به تن کرده‌اند و چند پرچم هم روی دیوارهای آجری در باد تکان می‌خورد. ۲پسربچه خیال می‌کنند مثل پارسال غذای نذری آورده‌ایم، فریاد می‌زنند غذای نذری، غذای نذری. کم‌کم چند زن و مرد از اتاق‌هایی که پرده‌های رنگ‌ورو رفته‌ای از آن آویزان است، بیرون می‌آیند. بسته‌های نایلونی موادغذایی یکی‌یکی از خودرو بیرون می‌آید و فرشاد و مهران هرکدام را به خانواده‌ای می‌دهند. زن‌ها با دیدن موادغذایی داخل نایلون یکدیگر را نگاه می‌کنند و با صدای بلند می‌گویند: «نذرتان قبول، چه خوب که امسال موادغذایی آوردید.» ۲دختربچه با چهره‌هایی که معصومیت در آن‌ها موج می‌زند، می‌گویند: «عمو، اسباب‌بازی برای ما نیاوردی؟» اعصاب گروه به هم می‌ریزد از اینکه چرا فکر اسباب‌بازی نبوده‌اند. یکی می‌گوید سال بعد حتما اسباب‌بازی نذر می‌آورم. برای خواندن ادامه گزارش از روزنامه ایران، کد را اسکن کنید.

بریده فیلم



موفقیت این نیست که چقدر محکم می‌تونی ضربه بزنی. زندگی درباره اینه که توش چقدر می‌تونی ضربه بخوری و با این حال بازروبه‌جلو حرکت کنی. این‌جوریه که توی بازی زندگی برنده می‌شی.

راکی بالبوآ
سیلوستر استالونه